

## مقدمه

«تربیت دینی» از جمله موضوعاتی است که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در سال‌های اخیر، همواره مورد توجه دست اندرکاران امر آموزش و پرورش کشور بوده است. این موضوع، هم چنین، از اولویت‌های کاری معاونت پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش و از جمله مهم‌ترین رسالت‌ها و فعالیت‌های مرکز مطالعات تربیت اسلامی است. با وجود انجام تحقیقات نظری و میدانی فراوان، نیاز به پژوهش در «تربیت دینی» هم چنان باقی و ضروری است؛ به ویژه آن که از سویی تبیین مفهومی این حیظه و تمایز آن از تربیت اسلامی به مفهوم عام آن، آن چنان که باید و شاید روشن نیست و از نظر برخی، به ویژه پژوهندگان عرب، ملازم با پذیرش ناخواسته نوعی سکولاریزم است و از سوی دیگر با وجود همه تلاش‌ها و فعالیت‌های انجام شده، آن چنان که شایسته است، شاهد موفقیت نظام تربیتی موجود نبوده‌ایم؛ به ویژه آن که به سبب جایگاه و نقش دین، عطش و نیاز روزافزون به تربیت دینی شایسته، نه تنها در جامعه ما، که در بیشتر جوامع به روشنی مشهود است.

سومین مجلد از کتاب «تربیت اسلامی»، به بررسی این موضوع مهم اختصاص یافته است و همچون دو شماره پیشین، در سه محور: مقالات، ترجمه‌ها و گزارش‌ها تدوین یافته است. با این توضیح که بنا به توصیه معاونت محترم پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، سعی شده است جنبه کاربردی مباحث، برای استفاده بیشتر مربیان و متولیان تعلیم و تربیت، بیشتر باشد.

مقاله آغازین این مجلد، «تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم» است. نویسنده با بیان مهم‌ترین ویژگی‌های قرن بیست و یکم، که عبارت از فروریختن ساختارها و تقابل مفاهیمی همچون «دور و نزدیک» و «ممنوع و مجاز» و در نتیجه «انفجار» و به تعبیری «انقلاب ارتباطات» است، به بررسی چالشی که این ساخت زدایی فراروی تربیت دینی و اخلاقی قرار می‌دهد، پرداخته است؛ چرا که تربیت دینی، به هر روی، با حدود و ثغور و مرزهای بایندی و نبایندی، ملازمت اساسی دارد. پیامد خواسته یا ناخواسته قرن بیست و یکم، درهم فروریختن مرزها و دسترسی سهل و آسان به امور غیر مجاز است. در قبال چنین چالشی، برخی «سکولاریزم» را پذیرفته و به استحاله تربیت دینی و اخلاقی تن در داده‌اند. ریشه این امر، برداشتی ناصواب از تربیت دینی است که ناخواسته چنین سرنوشت نامبارکی را رقم می‌زند؛ چرا که می‌توان با تصحیح برداشت و تلقی و تبیین درست از تربیت دینی، به رویارویی کارساز و مؤثر با این چالش برخاست. نویسنده در این مقاله می‌کوشد چنین برداشتی را ارایه دهد؛ برداشتی که در اساس، هم با مفهوم «تربیت» و هم با مفهوم «تدین» سازگار و منطبق است.

نویسندگان دومین مقاله این مجموعه، کوشش کرده‌اند «ضرورت توجه به برنامه درسی پنهان در تحقق اهداف آموزشی آموزش‌های دینی» را برای دست اندرکاران امر خطیر تربیت اسلامی آشکار سازند. به این منظور، نخست با کندوکاوی در مفهوم برنامه درسی پنهان، معانی گوناگونی که از این واژه می‌تواند ازاده شود را بیان و نوع ارتباط آن را با اهداف ارزشی آموزش‌های دینی، روشن ساخته‌اند. این ارتباط، گذشته از عمومیت نگرش اسلامی و صامت نبودن دین در قبال ارزش‌های مورد آموزش، می‌تواند ناشی از تأثیرات

ضمنی و جانبی عوامل مختلف (معلم، وضعیت کلاسی، شرایط اجتماعی، رفتار مسئولان، نوع پرسش‌نامه‌ها و نیازسنجی‌ها و ...) مؤثر در آموزش، و نیز میزان توجه یا عدم توجه به ارزش‌های دینی و نوع این ارزش‌ها باشد. در ادامه مقاله، جلوه‌ها و مصادیقی از این ارتباط، با توجه به یافته‌های پژوهشی ارائه شده است و مقاله با سؤالات بسیار مهمی پایان می‌یابد که پژوهش و پاسخ‌گویی به آنها، می‌تواند به تشخیص برنامه‌های درسی پنهان و حذف موارد نامطلوب کمک شایانی بنماید.

به راستی در آموزش و تربیت دینی، چه محتوایی باید تدریس شود؟ پاسخ این سؤال هر چند در همه حیطه‌های آموزشی اهمیت دارد، در حیطه آموزش دینی، از آن رو واجد اهمیت بیشتر است که معارف اسلامی، علاوه بر گستردگی و سودمندی، از قداست نیز برخوردارند و کوچک‌ترین کم توجهی به آنها، می‌تواند آفت‌های فراوانی به دنبال داشته باشد. نویسنده سومین مقاله این مجموعه، بر این باور است که از جمله عوامل مؤثر در ناکارآمدی آموزش‌های دینی، گذشته از عدم کارایی معلمان دینی، عدم توجه کافی به نیازهای دانش‌آموزان و شرایط اجتماع، در انتخاب محتوای کتب دینی است و از این رو «نیازسنجی آموزش در برنامه ریزی برای تربیت دینی و اخلاقی» را یکی از مهم‌ترین راه‌های حل این مشکل می‌داند و با تبیین مفهوم نیاز، و تمایز میان نیاز آموزشی و نیاز روان شناختی، الگوهای نیازسنجی در برنامه ریزی درسی را ارائه می‌کند و مناسب‌ترین الگو را الگوی ترکیبی موضوعات درسی و نیازها و علایق دانش‌آموزان می‌داند؛ هر چند به تصریح نویسنده، تعیین سهم هر یک از این دو، نیازمند تعمق بیشتر است. در بخش دیگر این مقاله، منابع اطلاعاتی نیازسنجی در آموزش دینی و اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان، سؤالات و چالش‌های فراروی فرآیند نیازسنجی در آموزش دینی و اخلاقی ارائه شده است؛ سوالاتی که به بسیاری از آنها پاسخ لازم داده نشده است.

افزایش کارایی معلمان دینی، از جمله مسائلی است که همواره بر آن تاکید شده است. در مقاله «اقدام پژوهشی مشارکتی، شیوه‌ای کارآمد برای بهبود عملکرد معلمان در تربیت دینی- اخلاقی دانش‌آموزان» مؤلف می‌کوشد روش «اقدام پژوهی» یا «تحقیق در عمل» را

به عنوان شیوه‌ای نو و مؤثر در آموزش دینی معرفی نماید و پس از تبیین مفهومی آن و بیان تفاوت آن با سایر پژوهش‌های مرسوم دانشگاهی، مراحل اجرای این روش را بازگو کرده و آنگاه مزایا و نتایج اقدام پژوهی و تبیین اثرات این روش را بر افزایش کارایی و دلبستگی معلمان از یک سو و درگیر نمودن شاگردان در فعالیت درسی از سوی دیگر، مورد اشاره قرار دهد. هم چنین در متن، اشاره‌هایی نیز به یک تحقیق میدانی که با حضور شصت نفر از معلمان مبتکر، در تأیید این روش انجام شده، صورت می‌گیرد.

در بخش ترجمه این کتاب، نخست ترجمه مقاله‌ای با عنوان «آموزش علوم و ارزش‌های دینی» می‌آید. نویسنده در این مقاله سعی دارد جایگاه و نقش ارزش‌های دینی در آموزش علوم را روشن سازد. نویسنده بر این باور است که اقتضای ارتباط علوم، با وجود استقلالی که برای آنها مطرح است و نقشی که در رشد شخصیت آدمی دارند، نمی‌تواند آنها را از اهداف تعلیم و تربیت و ارزش‌های دینی جدا سازد. در حقیقت، آموزش علوم، با این معیارها محک می‌خورد و به همین دلیل، باید به نوعی کنترل در آموزش علوم تن داد. ترجمه دیگر، تلخیص و ترجمه دو فصل از کتاب «المعلم و التریبه» نوشته دکتر محمد رضا فضل‌الله است که مجموع بحث آن، تربیت دینی، سیر رشد ادراک دینی کودکان و نوجوانان و وظیفه‌ای است که با توجه به این وضعیت بر عهده مربیان در تربیت دینی کودکان است.

در بخش پایانی کتاب، سه گزارش ارائه شده است: گزارش نخست متن ویراسته سخنرانی استاد دکتر علی محمد کاردان در چهاردهمین نشست علمی-کاربردی مرکز مطالعات تربیت اسلامی است که به همراه پاسخ‌های ایشان به برخی پرسش‌های شرکت‌کنندگان پیرامون سیر تحول تربیت دینی در غرب ارائه شده است. دو گزارش دیگر، ارائه‌کننده محتوای مباحث دو کتاب بسیار مفید در تربیت دینی با عناوین «تدریس مؤثر تربیت دینی» و «تربیت دینی در سال‌های آغازین دبستان» است که در سالیان اخیر در غرب به چاپ رسیده است.

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که مباحث ارائه شده در این کتاب الزاماً

بیانگر نظرات و دیدگاه‌های مرکز مطالعات تربیت اسلامی نیست و صرفاً آرایه دیدگاه‌های مختلف و آشناسازی علاقمندان به اندیشه‌ها و فعالیت‌های موجود در زمینه تربیت دینی است. به همین جهت، نقد مباحث محتوایی این مجموعه از سوی صاحب‌نظران، باعث سرور قلبی خواهد شد و بر غنای محتوایی مجموعه‌های بعد خواهد افزود.

توفیقی اگر هست، از خداست  
معاونت پژوهشی  
مرکز مطالعات تربیت اسلامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی